

پرده برداشتن از جنایتهای هولناک قتل‌های زنجیره‌ای زندانیان زن در زندان گوهردشت کرج

منبع: فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران
ضمیمه: سرگذشت زندگی هدیه

قتلهای زنجیره‌ای که از سال 1384 آغاز شده است و همچنان ادامه دارد، گفته می‌شود که آخرین آن زندانی بنام هدیه مویدی بوده است. تا به حال نام 9 زن زندانی که بطرز فجیع در بند 7 زنان زندان گوهردشت به قتل رسیده اند محرز شده است.

بنابه گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران، در سالهای اخیر قتل‌های زنجیره‌ای زنان زندانی که به شکل فجیعی در بند زنان، زندان گوهردشت کرج روی داده را افشا می‌کند. یکی از هولناکترین جنایتها علیه زنان زندانی بی دفاع در زندان گوهردشت کرج که تا به حال باعث گرفتن جان چندین زن زندانی شده است را بر ملا می‌کند. دستور دهندگان و مجریان آن برای پوشاندن جنایتهای خود در جواز دفن قربانیان علت مرگ را خودکشی و یا نرسیدن مواد مخدر ذکر می‌کنند.

قتلهای زنجیره‌ای که از سال 1384 آغاز شده است و همچنان ادامه دارد، گفته می‌شود که آخرین آن زندانی بنام هدیه مویدی بوده است. تا به حال نام 9 زن زندانی که بطرز فجیع در بند 7 زنان زندان گوهردشت به قتل رسیده اند محرز شده است. ولی گفته می‌شود که تعداد زنان به قتل رسیده بیش از آماری است که ما آن را در دست داریم. همچنین چندین شاهد وجود دارد که در صورت ضمانت امنیت جانی آنها حاضر هستند جزائیات و نام تعدادی از دست اندرکاران قتل‌های زنجیره‌ای را در یک کمیته تحقیق مسقل و بین المللی افشا و بر آن شهادت دهند.

زنان زندانی که سنین آنها بین 22 تا 30 سال می‌باشد. به اتهام مصرف مواد مخدر و بد حجابی دستگیر می‌شوند. آنها را بیش از یک

ماه در سلولهای انفرادی با شرایط بسیار سخت قرار داده می شوند. زنان زندانی برای رهایی یافتن از این شرایط هر آنچه را که بازجویان از آنها می خواهند به آن تن می دهند. بازجویان زنان را با تهدید و وعده دادن وادار به اعترافات غیر واقعی مسائل غیر اخلاقی می کنند. پس از گرفتن اعترافات از زنان جوان، علیه آنها پرونده سازی می کنند و پرونده را به دادگاه می فرستند و آنها را به احکام سنگین محکوم می کنند. زنان بی دفاع و بی نام و نشان که محکوم به زندان شده اند به عنوان بردگان جنسی خود بکار می برند و بطور مستمر مورد تجاوز جنسی قرار می دهند و روح و جسم آنها را نابود می کنند. در صورت مقاومت و دفاع از خود آنها را به سالن 21 بند 7 زنان که دارای شرایط بسیار سختی است انتقال می دهند.

هنگامی که این زنان جوان به بند منتقل می شوند توسط چند فرد که تحت نام روانپزشک در بند زنان هستند به زنان زندانی قرصهای روان گردان و اعتیاد آور تحت عنوان آرام بخش تجویز می کنند و به مرور دوسرینگ این داروها را افزایش می دهند تا به این قرصها اعتیاد پیدا کنند.

در سالنهای مختلف بند زنان باندهای مافیایی تشکیل شده که برای توزیع مواد مخدر و سرکوب و قتل زنان معترض بکار برده می شوند و برای از بین بردن آثار جرم خود بعد از مدتی خود آنها را هم به قتل می رسانند.

قتلهای زنجیره ای در بند 7 زنان زندان گوهردشت کرج از سال 1384 آغاز شده است. ابتدا این قتلها در خود سالن و در مقابل چشمان سایر زندانیان صورت می گرفت. ولی بعد از آن هر وقت قصد داشتند که زن زندانی را به قتل برسانند از سالن 21 بند 7 زنان زندان گوهردشت به سلولهای انفرادی منتقل می کنند و در آنجا با شیو [فجیعی به قتل می رسانند. علت مرگ را خودکشی و یا نرسیدن مواد مخدر در پرونده آنها ذکر می کنند.

یکی از زنان جوانی که به قتل رسیده مهناز اکبر تهرانی است. او به سلول انفرادی با دست بند و پا بند منتقل می شود و در آن سلول به دار آویخته می شود و بیش از 12 ساعت آویزان بوده است.

نام تعدادی از زنان زندانی که در قتلهای زنجیره ای بند 7 زنان زندان گوهردشت به قتل رسیده اند به قرار زیر می باشد: 1. مهناز اکبر تهرانی تاریخ قتل سال 1388 / 2. هدیه مویدی تاریخ قتل سال

1388 / 3. شیرین ذوقی فتوت تاریخ قتل سال 1388 / 4 . کاترین صفا کرمانشاهی تاریخ قتل سال 1384 / 5- مینا ملکی تاریخ قتل سال 1384 / 6- فرشته رجب زاده تاریخ قتل سال 1384 / 7 - آرزو عبدی تاریخ قتل 1384/8- هانیه هادیان تاریخ قتل نامشخص / 9 - فرشته فامیل و تاریخ قتل متعاقبا اعلام خواهد شد

نام تعدادی از دستور دهندگان و مجریان قتل های زنجیره ای در زندان گوهردشت کرج به قرار زیر می باشد: رئیس بند 7 زنان زندان گوهردشت پاسداری به نام سیمین جلیوند می باشد . قتل های زنجیره ای توسط باندهای که تحت نظارت او عمل می کنند صورت می گیرد. رئیس بند زنان سیمین جلیوند برای زهر چشم گرفتن از زندانیا زن بعد از هر قتل زنان معترض را به دفتر خود احضار می کند و به آنها گوشزد می کند که قربانی خودکشی نکرده بلکه ما او را کشتیم. دستور دهنده تعدادی از قتل های زنجیره ای اولیه توسط رئیس قبلی بند بنام مریم خادم شریفی (با نام مستعار مریم محمدی) صورت گرفته است.

علی حاج کاظم رئیس زندان، علی محمدی معاون زندان، رضا ترابی رئیس بازپرسی زندان ، خادم رئیس قبلی بند1 (به قزل حصار منتقل شده است) ، کرمانی و فرجی رئیس و معاون حفاظت و اطلاعات در قتل های زنجیره ای زندان مستقیما نقش دارند.

شرایط بند زنان در تمامی زندانهای ایران قرون وسطائی و غیر انسانی است . فشارها و اذیت و آذارها علیه زنان زندانی چندین برابر فشارهایی است که بر علیه مردان زندانی وارد می شود. علاوه بر فشارهای غیر انسانی که بر آنها وارد می کنند همانند بردگان جنسی با آنها رفتار می کنند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، جنایت فجیع قتل های زنجیره ای در زندان گوهردشت کرج را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر و گزارشگر ویژه زنان سازمان ملل و سایر سازمانهای مدافع حقوق زنان برای نجات جان زنان زندانی خواستار تشکیل یک هیئت تحقیق بین المللی است تا از زندانهای که زنان در آن زندانی هستند بازدید نمایند و به جنایتهای که بصورت مستمر و سیستماتیک علیه آنها بکار برده می شود رسیدگی کنند.

سرگذشت هدیه مویدی:

پرونده هدیه مویدی که در سن 14 سالگی به اتهام رابطه نامشروع و استفاده از اسکناس مجعول و متعاقب آن مشارکت در قتل عمدی در زندان

رجایی شهر کرج، بازداشت گردید جهت رسیدگی به اتهام قتل عمد به شعبه 80 دادگاه کیفری استان ارجاع گردید.

هدیه مویدی متولد 12/5/1369 می باشد زمانیکه هدیده دو سال بیشتر نداشت مادر و پدرش به دلیل اختلافات خانوادگی از یکدیگر جدا شدند و بی دلیل بروز اختلاف با نامادریش، مدتی خانه را رها کرد و نزد یکی از دوستانش بود چرا که نمی توانست محلی جهت ادامه زندگی در اجتماع یابد و پشتیبانی نیز نداشت.

در تاریخ 12/5/1383 هدیه با دوستش به منزل، یکی دیگر از دوستانشان رفت که با شکایت شخصی به نام علی، مامورین کلانتری آنها را دستگیر و از مالک منزل مقداری اسکناس مجعول، مشروب و ماهوره کشف می کنند با تشکیل پرونده، همگی با دستور رئیس کلانتری راهی دادرسی ویژه ارشاد می شود هدیه منکر تمام اتهامات منتسبه می شود ولی با این وجود علیه ایشان قرار مجرمیت و کیفرخواست تنظیم و به جای آنکه بازپرس شعبه پرونده را برای رسیدگی به دادرسی اطفال ارجاع و اگر اتهامی منتسب به وی بود به کانون اصلاح و تربیت اعزام کند پرونده را برای رسیدگی و صدور حکم به شعبه 1089 دادگاه عمومی تهران مستقر در دادرسی ویژه ارشاد فرستاده و هدیه را نیز به زندان اوین معرفی می نماید.

فرستادن هدیه به زندان اوین بر مشکلات وی افزود به جای آنکه دستگاه قضایی طبق فلسفه مجازات بر فرض انتساب اتهام یا جرمی به متهم، محلی را جهت تنبیه و تربیت این فرد بی گناه در نظر گیرد زندان اوین را که محل نگهداری بزرگسالان است انتخاب می کند. هدیه سختیهای فراوانی را در این زندان تحمل نمود او مجبور بود با افراد شرور و سابقه دار در یک بند زندگی را سپری کند. فشارهای روحی و روانی به وی به گونه ای بود که طاقت ماندن در زندان را نداشت و روزانه از قرص های خواب آور و مسکن استفاده می نمود تا لحظات پر درد و رنجش احساس نشود. پس از مدت کوتاهی هدیه را به زندان رجایی شهر کرج منتقل نمودند زندانی که محل نگهدار افراد سابقه دار، محکومین به اعدام و حبسهای طویل المدت است.

او چهارده سال بیشتر نداشت که عدالت او را به این محل مخوف و وحشتناک هدایت کرد. در زندان رجایی شهر با افرادی به مراتب شرور تر از زندان اوین هم بند بود. در زندان چون مواد مخدر به وفور یافت می شد برای تسکین آلام و دردهای خود از مواد مخدر استعمال می نمود در حالی که زندان محل تربیت و تعلیم باید باشد ولی برای وی قبرستانی بود با توهمات تخیلی وحشتناک که نمی توانست تحمل کند. جالب اینکه انسانهای بزرگسال و قوی طاقت ماندن در زندان - آنهم زندانی مثل رجایی شهر را ندارند - چه رسد به این دختر بچه بی

پناه که هیچ کس حتی جامعه و قوه قضاییه پشتیبانش نبود. او در چنین شرایط حق داشت عصبی باشد حق داشت روانی باشد و حق داشت حتی از مواد مخدر برای تسکین دردهایش استفاده کند.

زندان به جای آنکه وی را انسانی سالم ساخته و به جامعه بازگرداند وی را مجرمی دیگر ساخته بود او حقتش بود در کانون اصلاح و تربیت با کودکان دیگر هم اطاق شده و به کارآموزی و تحصیل پردازند ولی دستگاه قضایی این حق را از وی گرفته بود. می گوئیم پدر و مادر وی انسانی مستول نبودند جامعه چرا وی را به بیراهه زندگی کشاند. می گوئیم پدر و مادر هدیه، وی را مورد آزار و اذیت قرار می دادند پس دستگاه قضایی چرا وی را شکنجه کرد (درحالی که می بایست به کانون اصلاح و تربیت رود به زندان بزرگسالان اعزام شد)

سختیها و شداید هدیه به اینجا ختم نمی شود او در شب مورخ 11/3/1384 به همراه چهار نفر از هم سلولیهایش جهت تنبیه به انفرادی انداخته می شود دو نفر از این چهار نفر رئیس بند بوده و از خلق و خوی خشنی برخوردار بوده و سوابق متعدد کیفری داشته اند. هانیه یکی از پنج زندانی وارد شده به انفرادی، فردی خطرناک و زورگو بوده که بیشتر زندانیان از وی می ترسیدند و اگر خواسته های وی مهیا نمی شد هر گونه آزار و اذیتی از طرف هانیه می شدند به هر حال در آن شب وحشتناک هانیه با دختری به نام فرشته درگیر شده و به شدت او را مورد ضرب و جرح قرار داده و وی را به قتل می رساند. پس از این ماجرا هدیه نیز به اتهام مشارکت در قتل عمد زندان نشین می شود.

پرونده هدیه پس از سه سال ماندن در دادسرا، با صدور قرار مجرمیت و کیفر خواست به شعبه 80 دادگاه کیفری استان مستقر در دادگستری کرج ارسال و قرار است به زودی محاکمه شود.

هدیه مستحق زندان نیست او مدت چهار سال است که در بدترین شرایط زندگی را سپری می کند. حقوق او در هیچ محکمه ای رعایت نشد و ظلم بسیاری بر وی روا گردید.

اخیرا با اطلاع از این موضوع وکالت این دختر مظلوم را پذیرفته و سعی خواهم نمود در حد توانم از حقوق وی دفاع نمایم. ولی سئوال من از مسئولین این است که چه کسی ظلم روا شده بر وی را جبران خواهد کرد؟ چه کسی کودکی و عمر از دست رفته را به وی باز خواهد گرداند؟ چه کسی سلامت بهداشت روانی و روحی وی را تضمین خواهد کرد؟ چه کسی تظلمات به وی را جبران خواهد کرد؟ چه کسی بر وی مهربانی خواهد کرد؟ و چه کسی آینده ای روشن برای او ترسیم خواهد کرد؟ مسلما کسانی که دانسته یا نادانسته، وی را به این روز سیاه انداخته اند در روز قیامت در پیشگاه خداوند منان پاسخ اعمال خود را خواهند

داد... باشد که خداوند همه ما را به راه راست و کردگاری هدایت کند.